

سید محمدعلی جهان آرا

جهان آرا: بسم الله الرحمن الرحيم. رب اشرح لی صدی و یسرلی امری و احلل عقده من لسانی یفقهو قولی. قبل از این که در رابطه با عملکرد این گروه در جریانات جنگ در شهر خرمشهر صحبتی بکنم، لازم می‌دانم که قبلاً در مورد کلّ جریانات خرمشهر بعد از انقلاب، توضیحات مختصری بدهم که بینندگان عزیز در رابطه با کلّ جریانات این گروه در سطح خرمشهر و حرکت آن‌ها در جنگ روشن‌تر بشوند.

بعد از [پیروزی] انقلاب [اسلامی] مسائلی که در خرمشهر به خصوص در رابطه با موضوعات قومی خلق عرب مطرح شد، دو جریان در شهر شکل گرفت؛ یکی مسئله‌ی کانون فرهنگی نظامی [جوانان مسلمان خرمشهر] بود و دیگری هم سازمان سیاسی خلق عرب؛ که کانون فرهنگی نظامی از یک‌سری جوانان خرمشهر [تشکیل شده] بود با ایده‌ها و افکار مختلف و سازمان سیاسی خلق عرب هم [از یک‌سری افراد ساواکی، سرمایه‌دار و فتوادل [شکل گرفت] که شیخ محمدطاهر [آل شبیرخاقانی]، روحانی‌ای که در خرمشهر بود، از این‌ها پشتیبانی می‌کرد. در رابطه با همین موضوع، یک‌سری جریانات پیش آمد تا آن درگیری و خونریزی که در رابطه با جریان خوزستان مطرح شده بود، مطرح شد که من می‌توانم بگویم یک‌سری از بچه‌هایی که در کانون فرهنگی نظامی بودند و بعدها به سازمان مجاهدین خلق پیوستند، یکی از عوامل اصلی درگیری بودند.

بعد از مسائلی که در خرمشهر پیش آمد و خوب، آرامشی پیدا شد بعد از آن همه کشتارها و کشته شدن خیلی از هم‌وطنان عرب در خرمشهر، سازمان یا گروه مجاهدین هیچ‌گونه حرکتی در خرمشهر و یا این که در میان مردم سمپات یا چیزی داشته باشند، به آن صورت نداشتند. فقط حرکت‌هایی در سطح آبادان بود؛ ولی خوب یک‌سری از بچه‌هایی که توی کانون بودند، به حرکت‌های آن‌ها پیوستند. [این روند ادامه داشت] تا جریانات سیلی که در خوزستان پیش آمد. [در این مقطع] علاوه بر این که سپاه و کلیه ارگان‌ها در رابطه با سیل فعالانه کار می‌کردند و هیچ‌گونه تبلیغاتی هم انجام نمی‌دادند، ولی متأسفانه این‌ها تا آن اندازه مسائل‌شان غیر خدایی بود که هر حرکتی را در رابطه با سیل انجام می‌دادند، اول مارک سازمان رویش بود. یعنی هیچ‌گونه حرکتی را خارج از تبلیغات سازمان انجام نمی‌دادند؛ و

این مشخص بود که اصلاً کلیه‌ی حرکت این‌ها و کمک‌هایی هم که اگر به مردم می‌کردند، فقط برای این [بود] که مسئله‌ی سازمان را بالا ببرند و یا تبلیغاتی صورت بدهند.

بعد از جریان سیل، مسئله‌ی انتخابات در خرمشهر مطرح شد که همین کسانی که در رابطه با جریان خلق عرب و آن کشتاری که پیش آمد، [دخیل] بودند، خود همین‌ها از طرف گروهی که در رابطه با خلق عرب بود، در رابطه با کاندیدایی که پیش آمد، از این‌ها پشتیبانی کردند و دقیقاً مشخص کردند که این‌ها استراتژی و کلاً خط و مشی سیاسی‌شان در رابطه با مسائل مکتبی‌شان چطوری است. به هر حال هر وقت هر جریانی در رابطه با مسائل سیاسی‌شان پیش می‌آید، توجه‌شان به مسئله‌ی مکتب مهم نیست؛ که یک زمانی چه کارهایی کردند و چه کشتاری صورت گرفت [تا] مثلاً از نماینده‌ی این‌ها در انتخابات مجلس شورای اسلامی پشتیبانی بشود.

قبل از جریان جنگ، مسئله‌ای در رابطه با دستگیری این عده پیش آمد. به این صورت که [مجاهدین خلق] نمایشگاهی بدون کسب اجازه از مقامات مسئول در خرمشهر مشخص [و برگزار] کردند؛ یعنی نمایشگاهی گذاشتند به عنوان «ارتجاع»؛ که بعد بچه‌های مذهبی هم در مقابل همان نمایشگاه، نمایشگاهی به نام «منافقین» درست کردند؛ که یک مختصر درگیری [هم] شد. جناب آقای اراکی، رئیس دادگاه [انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر] دستور جمع‌آوری [نمایشگاه] این‌ها را داد که ما این‌ها را جمع‌آوری کردیم و عده‌ای از این‌ها دستگیر شدند. بالاخره کلیه نفرات این‌ها در شهر خرمشهر برای ما شناخته شده بودند. تا [این که] موضوع جنگ پیش آمد. البته یادآور بشوم که چون شهر خرمشهر، شهر مرزی بود و مرتباً عوامل ضدانقلاب ایرانی که به عراق پناهنده شده بودند، بمب و تشکیلات دیگر به [داخل] شهر می‌بردند و ما کاملاً در حال آماده‌باش بودیم، حرکت‌هایی که این‌ها ایجاد می‌کردند، حالت هم‌زمانی داشت. همین مسئله‌ی نمایشگاه که مطرح شد، ما همان شب یادم هست [وقتی] درگیری پیش آمد، ما آماده‌باش بودیم و عصر [آن روز] دو تا از برادران‌مان در مرز شهید شده بودند و شب حرکت [و برخورد با] این‌ها [انجام شد]. البته خوب، مشخص بود مسئله [چون] حالت

هماهنگی بود نسبت به این [دو] موضوع؛ و خیلی برخوردهایی که کلاً در سطح خرمشهر می‌شد، از این نظر هماهنگی خاصی [بین مجاهدین خلق و عناصر ضدانقلاب وجود] داشت.

بعد در رابطه با جریان جنگ، این را می‌توانم با اطمینان بگویم تا تاریخ [۵۹۷/۷/۱۰] که جنگ از مرز خرمشهر مطرح شد، این‌ها هیچ‌گونه حرکتی نداشتند، مگر در رابطه با خود شهر خرمشهر. [بعد از شروع جنگ] در رابطه با جریان خرمشهر، این‌ها مراجعه می‌کردند می‌گفتند به ما اسلحه بدهید و ما می‌خواهیم بجنگیم و یک‌سری از این موضوعات؛ ولی ما دقیقاً مسئله را مطرح کردیم [و به آن‌ها گفتیم] چون خط و مشی شما برای ما مشخص است، ما هیچ‌گونه سلاحی در اختیار شما نخواهیم گذاشت و به هیچ وجه هم حاضر نیستیم که شما در رابطه با جنگ برخورد [و حضور] داشته باشید، مگر این که خط و مشی‌تان را در رابطه با جمهوری اسلامی مشخص کنید. این‌ها [طریق] کانال بسیج یک‌سری سلاح ام ۱ گرفتند و این را من با اطمینان می‌توانم بگویم که در هیچ [یک] از جبهه‌های جنگ خرمشهر، این‌ها شرکت نداشتند. فقط در سطح شهر بودند که بارها وقتی مراجعه می‌کردند، من چون خودم مشغول بودم و در رابطه با موضوع جنگ سرم شلوغ بود و پراکندگی که در کلّ شهر خرمشهر بود، کار این‌ها را به مسئول تحقیقات ارجاع دادم و گفتم واقعاً اگر صداقت در این‌ها می‌بینید، ازشان استفاده کنید. برادر مسئول تبلیغات هم خیلی برخورد دقیقی کرد و آمد [به این‌ها] گفت اگر شما می‌خواهید کار بکنید، بیا بیا یک‌سری